

Islamic Knowledge and Insight

معرفت و بصیرت اسلامی

The Role of Women's Prayers in Abrahamic Religions

جایگاه نیایش زنان در ادیان ابراهیمی

1. Narges Golparvarirad*¹: Bachelor Student, Department of Religions and Mysticism, Payam Noor University, Alborz, Iran. (Email: n.golparvarirad@gmail.com)

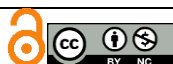
2. Nasrin Tavakoli²: Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, Payam Noor University, Tehran, Iran (Email: tavakoli.t@pnu.ac.ir)

3. Vali Allah Saki³: Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, Payam Noor University, Tehran, Iran (Email: drsaaki@pnu.ac.ir)

Abstract

This study aims to conduct a comparative and descriptive analysis of women's prayers in the three Abrahamic religions (Judaism, Christianity, and Islam). By focusing on sacred texts and historical narratives, this research seeks to answer the question of how and to what extent the role of women in prayer and their relationship with God has differed among these religions. The findings indicate that although these religions share common roots, significant differences exist in practices, concepts, and the position of women in prayer. Cultural and historical factors, as well as diverse interpretations of sacred texts, have influenced the formation of these differences. This research provides a deeper understanding of the position of women in Abrahamic religions and their forms of prayer, contributing to the recognition of the historical evolution of this position.

Keywords: Abrahamic religions, prayer, supplication, women, Fatimah Zahra, Islam, Christianity, Judaism



How to cite: Golparvarirad, N., Tavakoli, N., & Saki, V. A. (2024). The Role of Women's Prayers in Abrahamic Religions. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(4), 23-40.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 2024/10/23

Revise Date: 2024/12/04

Accept Date: 2024/12/26

Publish Date: 2025/02/14

۱. نرگس گلپورری راد^۱: دانشجوی کارشناسی، گروه ادیان و عرفان، دانشگاه پیام نور، البرز، ایران. (پست الکترونیک: n.golparvarirad@gmail.com)

۲. نسرین توکلی^۲: استادیار، گروه ادیان و عرفان، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (پست الکترونیک: tavakoli.t@pnu.ac.ir)

۳. ولی الله ساکی^۳: استادیار، گروه ادیان و عرفان، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (پست الکترونیک: drsaaki@pnu.ac.ir)

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی و توصیفی میان نیایش‌های زنان در سه دین ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) انجام شده است. با تمرکز بر متون مقدس و روایات تاریخی، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه و تا چه اندازه نقش زنان در نیایش و ارتباط با خداوند در این ادیان متفاوت بوده است. نتایج نشان می‌دهد که اگرچه این ادیان ریشه‌های مشترکی دارند، اما تفاوت‌های قابل توجهی در شیوه‌ها، مفاهیم و جایگاه زنان در نیایش وجود دارد. عوامل فرهنگی، تاریخی و تفسیرهای مختلف از متون مقدس، بر شکل‌گیری این تفاوت‌ها مؤثر بوده است. این پژوهش، به درک عمیق‌تری از جایگاه زنان در ادیان ابراهیمی و نوع نیایش آنان می‌رسد و به شناخت تحولات تاریخی این جایگاه نیز کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ادیان ابراهیمی، نیایش، دعا، زنان، فاطمه زهرا، اسلام، مسیحیت، یهودیت.

شیوه استناددهی: گلپورری راد، نرگس، توکلی، نسرین، و ساکی، ولی الله. (۱۴۰۳). جایگاه نیایش زنان در ادیان ابراهیمی. معرفت و بصیرت اسلامی، ۲(۴)، ۲۳-۴۰.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۶

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۱/۲۶

مقدمه

نیایش یکی از ارکان اساسی ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) است که جایگاهی ویژه و پر اهمیت دارد. این عمل نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه یک نیاز روحی و روانی برای انسان به شمار می‌آید. با تحلیل طرحواره‌های نیایش و پرستش زنان در ادیان ابراهیمی، مشخص می‌گردد که چرا هرمنوتیک آموزه‌های دینی به تجربه‌ها و صدای زنان به میزان اندکی توجه دارد. زنان در طول تاریخ به‌طور چشمگیری از گفتمان بنیادینی که شامل تمامی پیروان ادیان است، کنار گذاشته شده‌اند. با این حال، شنیده شدن صدای زنان می‌تواند به تحقق عدالت و افزایش آگاهی، به شیوه‌ای فرادینی کمک کند. مقایسه نیایش زنان در ادیان ابراهیمی امکان شناسایی الگوها و مضامین مشترک در نیایش‌های زنانه را فراهم می‌کند. در این راستا، توانمندسازی زنان می‌تواند سطح آگاهی انتقادی آن‌ها را نسبت به واقعیات دینی افزایش دهد و به احیای هنجارها و ارزش‌هایی منجر شود که برابری جنسیتی را در ابعاد فردی، خانوادگی، سیاسی و نهادی تضمین کرده و به شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی زنان کمک کند. همچنین این تحقیق می‌تواند به درک بهتر از جایگاه زنان در ادیان ابراهیمی و نحوه ابراز ایمان و درخواستهای آنان کمک نماید و زمینه‌ساز گفتمان‌های جدیدی در این حوزه باشد. پرسشهایی که در این پژوهش پاسخ داده می‌شود:

چه آیات و روایاتی در متون مقدس ادیان ابراهیمی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم به نیایش زنان اشاره دارند؟

آیا آموزه‌های دینی منجر به این تک‌صدایی شده‌اند یا فرهنگ‌های غالب بر جوامع این وضعیت را تشدید کرده‌اند؟

نقش زنان در هدایت و رهبری مراسم مذهبی چگونه بوده است؟

چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان نیایش‌های زنان در ادیان ابراهیمی وجود دارد؟

چگونه تجربیات نیایش زنان ادیان ابراهیمی می‌تواند در فهم بهتر مفهوم بندگی در جامعه دینداران یاری‌رسان باشد؟

محتوا، سبک و روش این نیایش‌ها در میان این زنان الهام‌بخش چگونه بوده و نمودهای شخصیتی آنان در مواجهه با امر مقدس چگونه در تاریخ ادیان بروز و ظهور یافته است؟

چه چالش‌هایی در انجام نیایش برای زنان وجود داشته است؟ (جواب حضرت زهرا و زینب در سوگواری)

برای پاسخ به پرسشهای پیشین از روش‌های پژوهشی مختلفی استفاده شده است.

روش این پژوهش، فراتر از تطبیق صرف بر اساس مشابَهت‌ها و تفاوت‌هاست و به نمایان‌سازی بخش‌های کمتر دیده شده از صدای زنانی می‌پردازد که در قالب نیایش، جلوه‌گری وجهه زنانگی خود را تجربه کرده‌اند. این پژوهش به دنبال کشف ویژگی‌های برجسته اندیشه زنان در اسلام شیعی با نمایندگی فاطمه، دختر پیامبر و اشاره به اصول مستخرج از سنت‌های دینی مسیحیت و یهودیت است تا فهمی عمیق‌تر از نیایش‌ها، در چارچوب تجربه زنانه ارائه دهد، تا برای زنان معاصر معنادار و کارآمد باشد. همچنین تحلیل متون مقدس ادیان ابراهیمی برای یافتن آیات و روایات مرتبط با نیایش زنان. مطالعه تاریخی با بررسی تحولات تاریخی جایگاه زنان در ادیان و تأثیر آن بر نیایش و در آخر تحلیل کیفی با تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از طریق روش‌های کیفی مانند تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان زنان.

اهمیت این پژوهش، در این است که نیایش‌ها به‌عنوان یکی از عوامل انگیزشی در زندگی فردی و اجتماعی زنان دیندار، می‌تواند به درک بهتر ادیان و فرهنگ‌های مختلف کمک کند و نقش زنان در بالندگی جوامع دین‌باور را روشن سازد. این پژوهش می‌تواند به تقویت گفت‌وگو و درک متقابل بین ادیان مختلف و به گسترش دانش در زمینه مطالعات دینی و مطالعات زنان کمک کند. با انجام پژوهش‌های دقیق و جامع در این زمینه، می‌توان به درک عمیق‌تری از نیایش زنان در ادیان ابراهیمی دست یافت و به بهبود جایگاه زنان در این ادیان کمک کرد. توانمندسازی واقعی زمانی محقق می‌شود

که زنان به خودباوری رسیده و از قابلیت‌های تاریخی خود آگاه شوند.

اهداف پژوهش در مورد نیایش زنان در ادیان ابراهیمی، با هدف درک بهتر جایگاه، نقش و تجربیات زنان در ارتباط با خداوند، صورت می‌گیرد. این پژوهش می‌تواند ابعاد مختلفی را پوشش دهد و به سوالات متنوعی پاسخ دهد. تعیین جایگاه نیایش زنان و اینکه آیا به عنوان یک عمل فردی یا جمعی انجام می‌شود و چه محدودیت‌ها یا فرصت‌هایی برای زنان در این زمینه وجود دارد. بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های نیایش زنان در ادیان مختلف ابراهیمی و شناسایی تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در مفاهیم، روش‌ها و اهداف نیایش. تحلیل تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و تاریخی بر شکل‌گیری و تغییر نیایش زنان در طول زمان. ارزیابی نقش نیایش در زندگی زنان و چگونگی یاری‌رسانی به آن‌ها در مواجهه با چالش‌های زندگی.

چالش‌های پژوهشی، تنوع تفاسیر سبب شده متون مقدس ادیان ابراهیمی قابلیت تفسیرهای مختلفی را دارا باشند و این امر باعث ایجاد اختلاف نظر در مورد جایگاه نیایش زنان می‌شود. کمبود منابع تاریخی و دسترسی به منابع تاریخی دقیق و قابل اعتماد، به ویژه در مورد تجربیات زنان در گذشته، دشوار است. پیش‌داوری و تعصبات جنسیتی و باورهای پیشین پژوهشگران ممکن است بر نتایج پژوهش تأثیر بگذارد. تفکیک تأثیرات دین از فرهنگ بر جایگاه زنان، یکی دیگر از چالش‌های مهم پژوهشی است. و آخرین نکته اینکه، تجربیات زنان از نیایش بسیار متنوع است و این امر باعث می‌شود که تعمیم نتایج پژوهش دشوار باشد.

پیشینه پژوهش، با بررسی منابع و مآخذ موجود درمی‌یابیم که تا کنون هیچ پژوهش مستقلی در هیچ یک از حوزه‌های نشر فارسی (کتاب، رساله، مقاله و...) درباره بررسی تطبیقی نیایش‌های زنان در ادیان ابراهیمی انتشار نیافته است. با این وجود، مروری بر نقشه دانش مطالعات دعاشناسی نشان می‌دهد که پژوهشهای دعاشناسی در سطح جهانی بر حیطه‌های زبان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی دینی و مطالعات فرهنگی، پزشکی و کاربردهای

آن‌ها شامل روان‌درمانی و مقابله با استرس و افسردگی متمرکز بوده است.

۱. تعریف نیایش، ستایش، ورد و ذکر

تاریخ دعا به پیدایش انسان بازمی‌گردد؛ چرا که انسان همواره در جستجوی آرامش و دستیابی به نیرویی فراتر از خود بوده است. این امر در تمامی فرهنگ‌ها و جوامع بشری، چه آن‌هایی که به دین‌های الهی و وحیانی معتقد بوده‌اند و چه غیر آن‌ها، مشاهده می‌شود (Durant, 1995; Noss, 2001). در ادب غربی، معادل مناجات «Hymn» است که به عنوان یکی از قدیمی‌ترین اشکال شعری شناخته می‌شود (Shamisa, 1994). علامه طباطبایی دعا را به‌عنوان جلب توجه دعوت‌شونده به سوی دعوت‌کننده تعریف می‌کند و بر این باور است که عناصری مانند درخواست یا کمک‌خواهی، جزء مقومات دعا نیستند بلکه از لوازم و اهداف آن به شمار می‌آیند (Tabatabai, 1995). ارتباط عمیق انسان با خدا، با دعا ممکن می‌شود که بر دو پایه بنیادی استوار است: شناخت خود و شناخت خدا (Mohammadi, 2013, 2015). نیایش بیانگر ارتباطی سرشار از محبت است، ارتباطی که بر پایه اعتماد است و نشان‌دهنده ارزش اعتماد نیایش‌گر به موجودی است که با تمام وجود به او توجه دارد (McGrath & Bayat, 2014).

نیایش:

نیایش، دعا، آفرین، به معنای ارتباط عمیق و صمیمانه فرد با خداوند یا نیروی برتر کیهانی است. این ارتباط می‌تواند به شکل دعا، مناجات، نیایش، عبادت و یا هر نوع بیان احساسات، نیازها و سپاسگزاری از نیروی برتر باشد. نیایش معمولاً با هدف کسب آرامش روحی، تقاضای بخشش، درخواست کمک، شکرگزاری و یا تقویت ارتباط با خداوند انجام می‌شود.

ستایش:

ستایش اسم مصدر از ستاییدن و ستودن، به معنای تقدیس و تجلیل از خداوند یا نیروی برتر است. در ستایش، فرد به عظمت، قدرت، زیبایی و کمالات خداوند پی می‌برد و به او احترام می‌گذارد. ستایش می‌تواند به صورت آواز، شعر، سرود و یا هر شکل دیگری از بیان تحسین و ستایش باشد.

ورد:

ورد جزئی از قرآن که انسان هر روز و هر شب بخواند. (فرهنگ معین) به عبارت یا جمله کوتاهی گفته می‌شود که به طور مداوم و با تکرار زیاد خوانده می‌شود. مفهوم «ورد» بخشی از قرآن مجید (Firuzabadi, 1994; Masoud & Nejad, 2014)، یا دعا و ذکر است که انسان در شبانه‌روز بر آن مداومت داشته باشد (Dehkhoda et al., 1998). وردها معمولاً از متون مقدس یا دعا‌های کوتاه انتخاب می‌شوند و به عنوان یک وسیله برای تمرکز ذهن، تقویت ایمان و ارتباط با خداوند استفاده می‌شوند. در عرفان اسلامی کسانی مانند ابوالمفاخر باخیزی با کتاب اوراد الاحباب و فصوص الآداب (تصحیح ایرج افشار، انتشارات دانشگاه تهران) و ابن عربی با کتاب اوراد اللیالی و الایام (مترجم: محمد خواجوی، انتشارات مولی) دربارهٔ کاربردها و ارزش‌های این راه حق نوشته‌اند.

ذکر:

ذکر یاد کردن، یادآوری (فرهنگ معین) که مانند ورد، به تکرار یک عبارت یا نام خداوند گفته می‌شود. ذکر در لغت به معنای این است که انسان چیزی را در خاطر خویش نگاه دارد و پیوسته به یاد آورد. در بررسی تفاوت‌ها و تشابه‌های میان این چهار واژه، نیایش شامل طیف وسیعی از ارتباطات با خداوند است و می‌تواند شامل دعا، مناجات، سپاسگزاری و... باشد. ستایش بر تقدیس و تجلیل از خداوند تمرکز دارد. ورد و ذکر به تکرار عبارات خاص می‌پردازند و معمولاً برای تمرکز ذهن و تقویت ایمان استفاده می‌شوند. نیایش، ستایش، ورد و ذکر همگی به نوعی بیان ارتباط انسان با خداوند یا نیروی برتر هستند. هر یک از این مفاهیم، ویژگی‌ها و اهداف خاص خود را دارند. نیایش جامع‌ترین مفهوم است و شامل همهٔ اشکال

ارتباط با خداوند می‌شود. ستایش بر تقدیس و تجلیل تمرکز دارد، در حالی که ورد و ذکر به تکرار و یادآوری عبارات خاص می‌پردازند.

۱.۱ فلسفه نیایش

خداوند متعال ارزش انسان را به میزان توجه او به دعا و مناجات با خود می‌داند و می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (فرقان: ۲۵)؛ به این معنا که اگر دعای شما نبود، خداوند به شما توجهی نمی‌کرد. در همگی ادیان این نوع ارتباط که از نوع مخاطب میان بنده و پروردگار است دیده می‌شود. اما نگرش به این مخاطب گونه‌گون است و بدین ترتیب فلسفه نیایش در ادیان مختلف، تفاوت‌های قابل توجهی می‌یابند. گاهی نیز نیایش‌ها دارای مفاهیم مشابهی هستند، هرچند که این مفاهیم ممکن است در بسترهای فرهنگی و اعتقادی متفاوتی تجلی یابند.

نیایش در ادیان مختلف به عنوان ابزاری برای ارتباط با خداوند و تقاضای کمک یا ابراز شکرگزاری تلقی می‌شود. شیوه‌های نیایش بسته به دین و نیایش فردی و جمعی نیز متفاوت است. در برخی ادیان، نیایش فردی برای آرامش درونی مهم‌تر است، در حالی که در دیگر ادیان، نیایش جمعی به تقویت پیوندهای اجتماعی و حس همبستگی کمک می‌کند. محتوای نیایش‌ها نیز بر مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و شخصی تأکید دارد و نشان‌دهنده نیاز مشترک انسان‌ها به ارتباط و جستجوی معنا در زندگی است. تفاوتها در مفهوم نیایش به عوامل مختلفی مانند نوع خداشناسی، ساختار نیایش، هدف آن، زمان و مکان برگزاری و نقش جامعه بستگی دارد. همچنین، اهمیت نیایش در فرهنگ‌ها به معتقدات مذهبی، تاریخ و سنت، نقش آن در جامعه و پاسخ به بحران‌ها مرتبط است. نیایش می‌تواند به عنوان ابزاری برای آرامش روحی و تقویت هویت فرهنگی عمل کند و در زمان‌های دشوار، منبع امید و قوت باشد.

۲. تعریف ادیان ابراهیمی و ویژگی‌های مشترک آنها

ادیان ابراهیمی (Abrahamic religions) به مجموعه‌ای از ادیان اطلاق می‌شود که ریشه در سنت باستانی ابراهیم دارند. این ادیان، از

جمله بزرگ‌ترین و پرطرفدارترین ادیان جهان هستند و تأثیر شگرفی بر تاریخ، فرهنگ و تمدن بشری گذاشته‌اند. این ادیان ادعای نسب مستقیم به ابراهیم، پیامبر الهی و پدر مشترک یهودیان، مسیحیان و مسلمانان را دارند. ویژگی‌های مشترک ادیان ابراهیمی در باور به خدا، خلقت، وحی و معاد است (Qahfarrokhi et al., 2022). یهودیت قدیمی‌ترین دین ابراهیمی است و پیروان آن به تورات به عنوان کتاب مقدس خود باور دارند. مسیحیت بر اساس آموزه‌های عیسی مسیح بنا شده است و عهد عتیق (تورات) و عهد جدید (انجیل) کتاب‌های مقدس آن هستند. اسلام آخرین دین ابراهیمی است و پیروان آن به قرآن به عنوان کتاب مقدس خود باور دارند.

۳. آداب نیایش در ادیان ابراهیمی

در متون مقدس ادیان ابراهیمی، آداب و ویژه‌ای برای دعا و نیایش ذکر شده است که بسیاری از آن‌ها به عنوان آداب مشترک میان این ادیان شناخته می‌شوند (Mohammadi, 2015). در بررسی شرایط دعاگو و دعاشونده، به اهمیت معرفت به خداوند، چرایی و چگونگی استجابت دعا و موانع آن اشاره می‌کند و آداب مربوط به دعا در اسلام را به شرح زیر برمی‌شمارد: «۱- ذکر بسم الله (تفسیر کشف الاسرار، ۱: ۲۸) ۲- تمجید و ستایش خداوند (صحیفه سجاده، دعای اول) ۳- درود فرستادن بر محمد و آل محمد ۴- واسطه قرار دادن صالحین ۵- تضرع و ابتهال (اصول کافی، کتاب الدعاء، حدیث ۱) ۶- الحاح (اصرار و پافشاری) (اصول کافی، ۴: ۲۴۱) ۷- همت عالی در طلب ۸- تعمیم دعا (وسائل الشیعه، باب ۴۰، حدیث ۱) ۹- دعا کردن به صورت پنهانی ۱۰- اجتماع در دعا ۱۱- خوشبینی به اجابت دعا ۱۲- انتخاب زمان‌های مناسب (الکافی، ۲: ۴۷۷) ۱۳- انتخاب مکان مناسب ۱۴- خواندن نماز».

هاشمی (۱۳۹۴) در مقایسه‌ای تطبیقی به آداب دعا در ادیان ابراهیمی پرداخته و بیان می‌کند: «آداب دعا در تورات: ۱- توجه به حضور خداوند. (مزامیر، ۱۶: ۸) ۲- ایستاده دعا کردن و دست به سوی آسمان بردن (اول پادشاهان، ۲۳: ۸) ۳- اصرار بر خواسته (پیدایش، ۳۲: ۲۶)

۴- زانو زدن در هنگام دعا (دانیال، ۶: ۱۱) ۵- سجده کردن (خروج، ۳۴: ۹-۸) (Hashemi, 2016).

آداب دعا در انجیل: ۱- خداخواهی و خداخوانی (متی، ۴: ۱۰؛ ۷: ۸) ۲- خضوع و خشوع (لوقا، ۱۴: ۱۸؛ متی، ۲۳: ۱۲؛ لوقا، ۱۱: ۳- پوشاندن سر زنان و برهنه بودن سر مردان (اول قرنتیان، ۱۱: ۵) ۴- سکوت خانم‌ها (اول قرنتیان، ۱۴: ۳۴) ۵- دعای پنهانی ۶- شکرگزاری (متی، ۶: ۶) ۷- اصرار در دعا ۸- آمین‌گویی در آغاز و پایان دعا (یوحنا، ۱۶: ۲۳) «

تفاوت‌های اندکی در میان آداب دعا و نیایش در ادیان ابراهیمی دیده می‌شود اما یکی از تفاوت‌های عمده میان اسلام و مسیحیت در شرایط دعا، به نقش زنان در نیایش مربوط می‌شود. در تعالیم مسیحی، به زنان توصیه شده است که در کلیسا سکوت کنند: «زنان شما در کلیسا خاموش باشند؛ زیرا که ایشان را حرف زدن جایز نیست، بلکه اطاعت نمودن، چنانچه تورات نیز می‌گوید» (اول قرنتیان: ۱۴: ۳۴). این آموزه توضیح می‌دهد که چرا صدای نیایش زنان در عهد جدید به‌طور قابل توجهی کاهش یافته و تنها نیایش مریم، مادر عیسی، روایت شده است. در قرآن یکی از شرایط پذیرش دعا وساطت و شفاعت است. «وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ» که در این آیه خداوند به پیامبرش می‌آموزد که برای امتش طلب بخشایش داشته باشد. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» (آل عمران: ۱۵۹) در حالی که کتاب مقدس عبری هرگونه وساطت را از طرف انبیا و اولیای الهی میان بنده و خداوند رد می‌کند (Mason, 2006). یکی دیگر از آموزه‌های تورات در آداب نیایش، این است که زیاده‌روی در حمد و ثنای خداوند به هنگام خواندن دعا و نماز نکوهش شده است (Kohen, 2003). بدین ترتیب گروهی از همین آموزه‌ها نشانگر چرایی خاموشی صدای نیایش زنان در ادیان ابراهیمی است.

۴. مفهوم جنسیت و نقش آن در ادیان ابراهیمی

مفهوم جنسیت و نقش آن در ادیان ابراهیمی یکی از مباحث پیچیده و پر اهمیت در مطالعات دینی و اجتماعی است. جنسیت به عنوان

یک ساختار اجتماعی و فرهنگی، بر تمامی ابعاد زندگی انسان‌ها از جمله دین تأثیر می‌گذارد. روان‌پزشک آمریکایی، رابرت استاولر، بیان می‌کند که جنس (مؤنث یا مذکر) به تفاوت‌های طبیعی یا زیستی و کالبدی اشاره دارد، در حالی که جنسیت (مرد یا زن) مفهومی است که در بستر فرهنگی خاصی شکل می‌گیرد (Zare'ian & Barzegar, 2007). در متون دینی، گروهی از حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی انسان بر اساس تمایزات جسمی و جنسی تعریف شده است. در ادیان ابراهیمی، جنسیت نه تنها به تفاوت‌های بیولوژیکی بین زن و مرد اشاره دارد، بلکه به نقش‌های اجتماعی، انتظارات فرهنگی و قدرت نیز مرتبط است. هویت به عنوان تصویری که فرد از خود و روابطش با دنیای بیرون دارد، تحت تأثیر دو عامل «صورت‌بندی‌های دانایی» و «امر اجتماعی» قرار دارد و تغییر هر یک از این عوامل می‌تواند منجر به دگرگونی هویت شود (Qaderi, 2007). این واقعیت نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی و تفسیر احکام می‌توانند نقش مهمی در هویت‌بخشی به زنان در جوامع دیندار ایفا کنند. در سلوک عرفانی «دیگرخواهی» به عنوان یک ویژگی متعالی، می‌تواند انسان را از «خودخواهی» رهایی بخشد. مباحث روان‌شناختی نیز نشان می‌دهند که دیگرخواهی در زنان غالب بر خودخواهی آن‌هاست (Rahmani & Pourseena, 2019) و به طور طبیعی، زنان آمادگی بیشتری برای رهایی از بند خودخواهی و رذایل مرتبط با آن دارند (Saboor Ardubadi, 2006).

۵. جایگاه زنان در متون مقدس ادیان ابراهیمی

داستان خلقت در ادیان ابراهیمی و نقش زنان در آن، بر درک ما از جایگاه زنان در این ادیان تأثیرگذار است. میزان مشارکت زنان در امور دینی، از جمله حضور در مساجد، کلیساها و کنیسه‌ها، و همچنین دسترسی آن‌ها به مقامات مذهبی، متفاوت بوده و ال‌های فمینیستی به دنبال بازخوانی متون مقدس از دیدگاه زنان و ارائه تفسیرهای جدیدی از نقش زنان در دین است. در تورات، خلقت حوا پس از آفرینش آدم انجام می‌شود و حوا از دنده چپ آدم آفریده می‌شود تا وابستگی‌اش به مرد را نشان دهد (McDonald). در این روایت،

حوا فاقد موهبت روح الهی است و همین امر موجب فریب او و در نتیجه فریب آدم می‌شود (Macintosh, 1982).

در انجیل، آیات مشابهی با تورات وجود دارد: «نخستین مرد از زن به وجود نیامد، بلکه اولین زن از مرد خلق شد». (اول قرنتیان، ۱۱: ۹-۷؛ ۱۴: ۳۶-۳۴ و اول تیموتائوس، ۲: ۹-۱۵)

در قرآن، آفرینش انسان‌ها از خاک و سپس قرار دادن نطفه در مکان محفوظ مطرح می‌شود. «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ. ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ» (مؤمنون: ۱۲-۱۳) قرآن بر این نکته تأکید دارد که هر دو جنس از یک ذات واحد خلق شده‌اند و هیچ‌یک وابسته به دیگری نیستند. در قرآن در شش آیه به آفرینش انسان اولیه با واژگان «مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (نساء: ۱؛ زمر: ۶؛ اعراف: ۱۸۹) و «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» (نحل: ۷۲؛ شوری: ۱۱ و روم: ۲۱) اشاره شده و اندیشمندان قرآن‌پژوه در تفسیر آن به چند مورد اشاره می‌کنند. (مظاهری، ۱۳۹۲، ۴۶-۴۴) اما بیشترین پذیرش در تفسیر واژه «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» فهم تفسیر آفرینش بر اساس «ذات واحد» است.

۵. ۱. گناه نخستین در تورات، انجیل و قرآن

گناه اولیه در متون مقدس، موضوعی پیچیده و تأثیرگذار است که در تورات، انجیل و قرآن به آن پرداخته شده است. در عهد عتیق، این گناه به حوا نسبت داده می‌شود، زیرا او فریب شیطان را پذیرفته و سپس آدم را نیز به گناه وادار کرده است (سفر پیدایش، ۳: ۱-۱۹). در عهد جدید نیز، گناه اولیه به زن مرتبط شده و او را مسئول تمامی گناهان معرفی می‌کند (مکاشفه، ۲: ۲۰؛ رساله اول پولس به قرنتیان، ۳: ۱۱). در مقابل، تیموتائوس، ۲: ۱۲-۱۴؛ رساله اول پولس به قرنتیان، ۳: ۱۱). در مقابل، قرآن روایتی متفاوت ارائه می‌دهد که در آن، هر دو نفر، آدم و حوا، به طور مشترک مورد خطاب قرار می‌گیرند و به آن‌ها دستور داده می‌شود که به درخت ممنوعه نزدیک نشوند. «... وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۳۵) و شیطان هر دوی آن‌ها را فریب داد و وسوسه کرد. «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ...» (اعراف: ۲۰) در این روایت، هر دو نفر پس از ارتکاب گناه، توبه می‌کنند. «فَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا

أَنْفُسًا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (اعراف: ۲۳) و به این ترتیب، تأکید بر مسئولیت مشترک آن‌ها وجود دارد.

تأثیر گناه اولیه بر نسل‌های بعدی، در میان جوامع مختلف متفاوت است. در یهودیت، برخی بر این باورند که گناه آدم و حوا تأثیر عمیقی بر تمام نسل‌های بعدی گذاشته و این گناه دلیل اصلی مرگ و فساد طبیعی انسان‌هاست. (مزمور، ۵: ۵۱؛ یروشلمی، تعنیت، ج ۶، تلمود، ۱۱۴) در این راستا، داوود پیامبر نیز در مزامیر به این موضوع اشاره می‌کند و گناه والدین اولیه را عامل ورود انسان به عالم فانی می‌داند. «این جسم با گناه تصویر شده است و البته منشأ آن خداوند نیست، لکن سببش گناه پدر و مادر اولیه ما، آدم و حواست.» (مزمور، ۵۲: ۵-۶) در مقابل، گروهی دیگر این دیدگاه را رد می‌کنند. (سهندین، ۳۸ الف؛ تلمود، ۱۱۳)

در مسیحیت، گناه اولیه به گونه‌ای تفسیر می‌شود که تمامی نسل‌های آدمی گناهکار شده و درد زایمان به عنوان مجازاتی برای زنان در نظر گرفته می‌شود. (رساله اول پولس به تیموتائوس، ۱۵: ۲) مسیحیان بر این اعتقادند که مسیح برای کفاره این گناه به صلیب کشیده شده است. (رومیان، ۱۲: ۵-۲۰)

در قرآن، مفهوم گناه اولیه وجود ندارد و تأکید بر این است که هیچ فردی بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد. «قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ آبْعِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (انعام: ۱۶۴) هیچ جماعتی به خاطر گناه گذشتگان مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد. «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (بقره: ۱۳۴) و سرنوشت هر فرد به اعمال خود او وابسته است. «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» (مدثر: ۳۸)

۵. ۲ عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نیایش‌های زنانه (فرهنگ، تاریخ و تفسیر متون)

هر یک از ادیان ابراهیمی، درک متفاوتی از جایگاه زن و نقش او در نیایش دارند. نیایش‌های زنانه، به عنوان یکی از جلوه‌های دینی و معنوی زنان، پدیده‌های پیچیده‌ای هستند که تحت تأثیر عوامل

متعدد قرار گرفته‌اند. عوامل فرهنگی، باورها و ارزش‌ها، نمادها و نمادپردازی و مراسم و آیینها. عوامل تاریخی، تغییرات اجتماعی، حاکمیتها و حکومتها، جنگها و مهاجرتها. تفسیر متون مقدس، تفسیرهای مردسالارانه، تفسیرهای فمینیستی و تغییر در تفسیرها و ساختارهای اجتماعی و سیاسی، سلسله مراتب قدرت، قوانین و فشارهای اجتماعی گروهی از شاخص‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری این نیایش‌ها هستند.

جایگاه زن در یهودیت در طول تاریخ تغییر کرده است. در دوره‌های اولیه، زنان نقش پررنگ‌تری در نیایش‌های خانوادگی داشتند. اما با گذشت زمان و تأثیر تفاسیر مختلف از تورات، محدودیت‌هایی برای حضور فعال زنان در کنیسه‌ها ایجاد شد. بارت دی ارمان به این نکته اشاره می‌کند که برداشت‌های قدیمی درباره زنان در یهودیت به هیچ وجه دقیق نیستند. حدود بیست کتیبه از کنیسه‌های یهودی باستان وجود دارد که در آن‌ها زنان به عنوان اعضای برجسته و رهبران واقعی جوامع یهودی معرفی شده‌اند (Ehrman, 2023). اشتاین سالتز می‌گوید: معافیت زنان از اجرای برخی احکام شرعی بیشتر به عنوان یک امتیاز در نظر گرفته می‌شد تا یک ممنوعیت واقعی (Steinsaltz & Darabi, 2023).

جایگاه زن در مسیحیت نیز با تفاسیر گونه‌گون مفسران متحول می‌شود. ارمان می‌گوید: در ماجرای رستاخیز عیسی این زنان بودند که قبر خالی عیسی را کشف کرده‌اند. (متی ۲۸: ۱-۱۰؛ مرقس ۱۶: ۱-۸؛ لوقا ۲۳: ۵۵؛ لوقا ۲۴: ۱۰؛ یوحنا ۲۰: ۱-۲؛ انجیل پطرس ۵۰-۵۷) و این در حالی است که در انجیل‌های متأخر مانند نامه اول پولس به قورنتیان (۱۵: ۳-۸) هرگز به زنان و یا نام آن‌ها اشاره‌ای نمی‌شود. ارمان می‌گوید: «شاید به این دلیل که به جای اینکه زنان، نخستین گواهان رستاخیز عیسی باشند، مانعی برای گسترش بشارت انجیل بوده‌اند.» (Steinsaltz & Darabi, 2023) اما هر چهار انجیل قانونی گفته‌اند که زنان در سراسر آخرین هفته زندگی عیسی از جلیل تا اورشلیم همراه او بوده و هنگام تصلیب او حضور داشته‌اند. (متی ۵۵: ۲۷؛ مرقس ۱۵: ۴۰-۴۱؛ لوقا ۲۳: ۴۹؛ یوحنا ۱۹: ۲۵) زنان و از

جمله کسانی از ایشان که همراه پولس رسول بوده‌اند، در قدیم‌ترین کلیساهای مسیحی نقش برجسته‌ای داشته‌اند. آنان به عنوان مبشر، شبان، معلم و نبی خدمت می‌کرده‌اند و با عیسی در سفرهای او همراه می‌شده‌اند. (مرقس ۱۵: ۴۰-۴۱) معروف‌ترین زن مسیحی که هر چهار انجیل قانونی او را گواه مرگ و رستاخیز عیسی معرفی کرده‌اند مریم مجدلیه است. (متی ۲۷: ۵۶؛ مرقس ۱۵: ۴-۴۱؛ لوقا ۲۳: ۴۹؛ یوحنا ۱۹: ۲۵) البته بیشتر مردم امروزه او را یک روسپی گمان می‌کنند. بدنام کردن او تقریباً پانصد سال پس از نگارش عهد جدید بوده و آن زمانی است که وی به تدریج همان «زن گناهکاری» دانسته شد که عیسی را تدهین کرد (Steinsaltz & Darabi, 2023). ارمان تصریح می‌کند، با طیف وسیعی از زنانی که نقشهای برجسته‌ای در کلیساهای قدیم داشته‌اند، صدای آنان در عهد جدید خاموش شده است؛ چراکه دست‌نویسهای عهد جدید را کاتبانی پدید آورده بودند که با رهبری زنان در کلیسا مخالف بودند (Steinsaltz & Darabi, 2023).

در قرآن، خداوند به صورت مستقیم و غیر مستقیم (به واسطه فرشته وحی) با زنان وارد گفتگو می‌شود:

ساره همسر ابراهیم «وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» (هود: ۷۲)

مادر موسی «إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ. أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي الْتَابُوتِ فَأَقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوُّهُ وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي» (طه: ۳۸-۳۹)

مریم «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» (مریم: ۱۷).

همچنین یکی از چندین آیه از آیات قرآنی، آیه ۳۵ سوره احزاب است که بیشترین طیف از جامعه باورمندان از زن و مرد را در کنار هم قرار می‌دهد: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا

وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» زنان و مردان مسلمان، مؤمن، اهل طاعت، راستگو، شکيبا، خدای ترس، صدقه‌دهنده، روزه-دار و آنان که خداوند را فراوان یاد می‌کنند. سپس وعده خداوند برای همگی آنان مزدی بزرگ است. حال اگر با بیان اینهمه از آیات قرآن، در حفظ شأن و کرامت زنان، باز هم در طول تاریخ اسلام، بسیاری از جوامع مسلمان، زنان را از صحنه‌های گوناگون جامعه حذف کرده‌اند، ربطی به آموزه‌های قرآن و دین ندارد. در میان آیات قرآن چهار زن تاریخی شاخص می‌شوند و قرآن آنان را به عنوان الگوهایی برای همگان معرفی می‌کند. مادر موسی، مریم، مادر عیسی و آسیه، همسر فرعون مصر و ملکه صبا.

در دین اسلام، نقش زنان در تاریخ اولیه این دین به‌طور قابل توجهی حائز اهمیت است و بسیاری از نخستین افتخارات به آنان نسبت داده می‌شود. بانو خدیجه کبری (سلام الله علیها) به عنوان نخستین فردی که به پیامبر ایمان آورد، (Rashad, 2022). تأثیر عمیقی بر تمامی مراحل زندگی پیامبر و درک وحی داشت (Abedi, 2023). وی نخستین نمازگزار پس از رسول خدا بود و خانه‌اش به «قبة الوحی» مشهور شد، زیرا محل نزول جبرئیل گشت (Abedi, 2023). علاوه بر این، سمیه، همسر یاسر و مادر عمار، از نخستین کسانی بود که در دفاع از ایمان خود جان باخت (Majlisi & Mousavi, 1998). شواهد تاریخی نشان می‌دهند که زنان در جنگ‌های عصر نبوی فعال بودند. فاطمه، دختر پیامبر، بر خلاف نگاه تاریخی که او را تنها زنی عابد و زاهد و پرده‌نشین معرفی می‌کنند، نیز در غزوه احد حضوری فعال داشت و به درمان جراحات پیامبر پرداخت (Tabarsi & Mousavi Khorasani, 1983). اگرچه در ابتدا قرار نبود زنان به میدان جنگ بیایند، اما در شرایطی که نیاز به دفاع از خود بود، آنان با شجاعت به میدان می‌آمدند و در کارهای غیررزمی نیز به کمک مجروحان و حمایت از رزمندگان می‌پرداختند (Madani, 2014).

۶. نیایش‌های زنان در ادیان

۶.۱ نیایش‌های زنان در دین یهودیت

در دین یهود، در میان نام پیامبران، نام برخی از زنان هم دیده می‌شود که در حکم نبیه برای قوم هستند. (داوران: ۹/۳؛ عهد عتیق کتاب‌های تاریخ، ۱۲۶) دُبوره پیامبر بانویی همانند مریم (خروج: ۲۰/۱۵) و حُلده (کتاب دوم پادشاهان: ۱۴/۲۲) که به نام یهوه اقامه دادگری می‌کند. (داوران: ۴/۴؛ عهد عتیق کتاب‌های تاریخ، ۱۲۹) در تورات، کلام خداوند را بر ردّ انبیای زن دروغین می‌بینیم که نشانی است از زنانی در قوم بنی‌اسرائیل که از پیامبر بانوان بوده‌اند. «حال ای انسان خاکی، کلام مرا به ضدّ زنانی که افکار خود را به جای پیام من بیان می‌کنند، اعلام نما.» (تورات، حزقیال، ۱۱) در تورات نیایش‌هایی از زنان هست که به همگی آنان اشاره می‌شود.

سرود مریم، خواهر موسی و هارون

وقتی قوم بنی اسرائیل به دستور خداوند، به رهبری موسی، از دریای سرخ به سلامت عبور کردند و از مصر خارج شدند، موسی به نیایش خداوند می‌پردازد و پس از او مریم خواهر موسی و هارون، دف به دست می‌گیرد و به زنان دیگر که به دنبال او چنین کردند می‌گوید: «خداوند را بسرایید که شکوهمندانه پیروز شده است، او اسبها و سوارانشان را به دریا افکنده است.» (تورات، خروج: ۱۷) نیایش مریم خواهر موسی و هارون پس از رهایی از فرعون و خروج از مصر است.

دُبوره (همسر لاپیدات)

در کتاب مقدس، داوران، ۵: ۱۵-۳۰: قسمت دُبوره آمده: این زن پیامبر بنی اسرائیلی، پیام خداوند مبنی بر جنگ با پادشاهی ستمکار به نام سیسرا را به یک سردار لشکر به نام باراق می‌رساند. آن سردار در صورتی جنگ را می‌پذیرد که این پیامبر خدا او را همراهی کند و زن می‌پذیرد. جنگ با پیروزی یاوران دُبوره به پایان می‌رسد. این سرود عمل جنگ مقدس را می‌ستاید که در آن یهوه با دشمنان قوم خود نبرد می‌کند. (آیات ۲۰-۲۱، ۲۳) سرود نیایش دُبوره و باراق (سردار جنگ): از آن روی که در اسرائیل جنگاوران گره از گیسوی خویش گشودند، از آن روی که قوم، جان خود به طیب خاطر تقدیم کردند، یهوه را متبارک خوانید! بنوشید ای پادشاهان! گوش فرادهید ای امیران! من از برای یهوه سرود خواهم خواند، بهر

یهوه خدای اسرائیل، نغمه سر خواهم داد.... بدین‌سان جمله دشمنان تو، ای یهوه، هلاک می‌گردند! و آنان که دوست می‌دارند، چون خورشید باشند آنگاه که در قدرت خویش طلوع می‌کند! (داوران: ۳۱/۵؛ عهد عتیق کتاب‌های تاریخ، ۱۳۳-۱۳۹) نیایش دُبوره پس از پیروزی در جنگ بر دشمن است.

حنا (مادر سموئیل)

نیایش حنا در کتاب اول سموئیل (۱۰: ۱-۱۳) آمده است. سموئیل نبی یکی از پیامبران بنی اسرائیل است که در قرآن (بقره: ۲۴۶-۲۴۷) بدون اشاره به نام سموئیل، به او و داستان مسح کردن طالوت توسط او اشاره شده است. حنا که زنی نابارور بود، روزی در معبد به دعا می‌پردازد و از خداوند می‌خواهد که خداوند به او فرزندی عطا کند و نذر می‌کند که اگر فرزندش پسر بود او را به خداوند تقدیم می‌کند تا در تمام عمر خود وقف او باشد. سرود چنین است: دل من در یهوه به وجد می‌آید، شاخ من در یهوه برافراشته می‌شود، دهانم بر دشمنانم بسی گشاده است، چه در یآوری تو شادمان هستم. قدوسی چون یهوه نیست، صخره‌ای چون خدای ما نیست. سخنان متکبرانه را می‌فزایید، غرور از دهانتان برون نگرده. چه یهوه خدایی آکنده از دانایی است و اعمال به میانجی او سنجیده می‌شود.... دشمنان یهوه خرد گشته‌اند، خدای متعال در آسمانها چون رعد می‌غرد. یهوه اقصای زمین را داوری می‌کند، پادشاه خود را قدرت می‌بخشد، شاخ مسیح خویش را برمی‌افرازد. (کتاب اول سموئیل: ۱۱/۲؛ عهد عتیق کتاب‌های تاریخی، ۲۲۱-۲۲۳) نیایش حنا پس از بچه‌دار شدن و رهایی از نازایی است.

دعای ملکه سبا برای سلیمان نبی و ستایش پروردگار

ملکه سبا آوازه سلیمان را بشنید و آمد تا او را به معماها بیازماید. چون ملکه سبا تمامی حکمت سلیمان را بدید. پادشاه را گفت: «پس آنچه در باب حکمت تو در سرزمین خود بشنیدم، راست بوده است! حکمت و سعادت تو فراتر از آوازه‌ای است که به گوش من رسیده بود. نیکبخت افراد تو و نیکبخت خادمان تو که اینها هستند و پیوسته برابر تو می‌ایستند و حکمت تو را می‌نیوشند! متبارک باد یهوه

خدایت که عنایت خویش بر تو می نمایاند و تو را بر اورنگ اسرائیل بنشانند؛ چون یهوه اسرائیل را تا ابد دوست می دارد، تو را به پادشاهی برگمارد تا حق و دادگری را به جای آوری». (کتاب دوم تواریخ: ۱۲-۱/۹؛ انجیل متی: ۴۲/۱۲؛ عهد عتیق، کتاب های تاریخی، ۴۲۴) ملکه سبا پس از ایمان به راه سلیمان، خدای او را ستایش می کند چون پیش از آن خورشیدپرست بود.

ساره دختر رعویل از هگمتانه

این دختر گرفتار طلسم دیوی به نام آزمودائوس است که هفت همسرش پیش از آنکه با آنان وصلت کند، توسط این دیو کشته می شدند. در آخر او دعایی می کند و خداوند دعای او را می پذیرد و یکی از فرشتگانش به نام رافائیل را می فرستد تا پسر یکی از بستگانش را برای ازدواج با او آماده کند. دعای ساره پیش از ازدواج با طوبیت چنین است: تو مبارکی، ای خدای رحمت! نام تو مبارک باد به روزگار و جمله اعمال تا ابد تو را مبارک خوانند. و اینک رخساره خویش برمی آورم و دیدگان را به سوی تو می گردانم. بادا که کلامت مرا از بند خاک وارهاند، دیگر نمی خواهم ناسزا بشنوم! تو می دانی ای خداوند که پاکیزه مانده ام، هیچ مردی مرا لمس نکرده است، دختر یگانه پدر منم، او را فرزندی دیگر نیست تا میراثش برد، او را برادری نیست، او را هیچ خویشاوندی نمانده است، تا خویشتن را از برایش نگاه دارم. پیش از این هفت شوی از دست داده ام، پس چرا باز باید زنده بمانم؟ اگر خوشایند تو نیست که بمیرانم، پس با نظر شفقتم بنگر، دیگر نمی خواهم ناسزا بشنوم! (دانیال: ۱/۶؛ ۱ کتاب باروک: ۴۴/۸، ۴۸؛ مزامیر: ۸/۵؛ ۲/۲۸؛ ۲/۱۳۴؛ ۲/۱۳۸؛ عهد عتیق، کتاب های تاریخی، ۸۲۱) نیایش ساره برای درخواست از خداوند برای ازدواج کردن است.

استر (ملکه یهودی ایران، همسر خشایارشا)

خشایارشا در سومین سال حکومتش جشنی برپا کرد و از ملکه اش، وشتی، دعوت کرد تا در این جشن شرکت کند؛ اما او سر باز می زند و وقتی پادشاه با مشاورانش به شور می نشینند، قرار می شود که وشتی

از ملکه بودن عزل شود. پس کنیزان بسیاری به دربار شاه آورده می شوند، تا پادشاه یکی از آنان را به همسری برگزیند. در این بین دختری یهودی به نام استر که به کنیزی گرفته شده، بسیار مورد توجه شاه قرار می گیرد و ملکه پادشاه می شود. وزیر پادشاه، هامان، که بسیار مخالف با یهودیان است، پادشاه را بر علیه یهودیان به عنوان از بین برندگان حکومت او می شوراند و پادشاه از ترس تهدید حکومتش دستور می دهد تا همگی یهودیان، در همگی مملکت های تحت پادشاهی او کشته شوند. ملکه استر از یهودیان می خواهد تا همگی سه روز به نیت او روزه بگیرند و برایش دعا کنند و خود نیز چنین می کند. نیایش استر برای رهایی قوم بنی اسرائیل از ستم هامان و دستور قتل عام آنان است. دعای او چنین است: «ای خداوند من و ای پادشاه ما، تو آن یگانه ای! به یاریم بیا، چرا که تنه ایم و یآوری جز تو ندارم و می روم تا جان بر کف گیرم.... و سپس بر تو گناه کردیم، و ما را تسلیم دستان دشمنانمان ساختی، بهر آن که خدایانشان را تکریم کردیم. تو دادگری ای خداوند! لیک به مرارت بردگی ما بسنده نکردند؛ دستان خویش در دستان بهتاشان نهادند تا حکمی را که از لبانت برون گشته بود، باطل سازند... به روز محنت، ما را، به یاد آر ای خداوند، و خویشتن را متجلی ساز! و مرا شهامت عطا کن، ای خدایی که قدرت تو بر همگان فائق است، آوای نومیدان را بنیوش، ما را از دست بدکاران به در آور و مرا از وحشتم برهان!» (تثیه: ۲۵/۲۰/۶؛ داوران: ۶/۲؛ مزامیر: ۳/۹۵؛ دانیال: ۴۷/۲؛ عهد عتیق، کتاب های تاریخی، ۹۰۷) پس از این نیایش او به حضور شاه می رود و در چندین نوبت خواسته اش که نجات قوم یهود است را عنوان می کند، پادشاه می پذیرد و قوم یهود نجات می یابند.

حنا دختر فنوئیل

یکی از آخرین زنان نبیه در قوم بنی اسرائیل، حنا دختر فنوئیل است که شاهد سپرده شدن عیسی بن مریم، به معبد بوده است. حنا به هشتاد و چهار سالگی رسیده بود و معبد را ترک نمی گفت و روز و شب خدای را به روزه و دعا عبادت می کرد. در آن هنگام که مریم، پسرش را به معبد می سپرد، حنا در رسید و خدای را ستود و با جمله

آنان که در انتظار رهایی اورشلیم بودند. در باب مسیح که در کتابشان آمده بود، قرار است قوم یهود را نجات دهد سخن گفت. (انجیل لوقا: ۴۶/۲، عهد جدید ۳۳۷) حنا به این جهت که پیشگویی کتاب تورات در تولد مسیح را به چشم می دید خداوند را ستود. در کتاب های مقدس یهودیان و مسیحیان این تنها نیایش بی خواسته از خداوند است.

۲.۶ نیایش های زنان در آیین مسیحیت

در کتاب انجیل سرودها و نیایش های بسیار کمی دیده می شود و در میان چهار انجیل معروف، تنها نیایش مریم عذرا ثبت شده است، با اینکه از سرگذشت زنانی نام برده شده که در کنار عیسی تعلیم می - دیده اند. اما با حذف نام زنان قدیسه در این دین، در سده های پس از سالهای نخستین و توسط مفسران کتاب مقدس، دیگر رد پای از نیایش زنان دیده نمی شود.

نیایش مریم، مادر عیسی

هنگامی که روح القدس بر مریم پدیدار می شود و به او بشارت به باروری عیسی مسیح را می دهد، همچنان به او از بارداری الیزابت همسر زکریا می گوید که بسیار پیر و فرتوت است و تا پیش از این نازا بوده است. هنگامی که مریم به دیدار الیزابت می رود و پیام روح القدس را به او می رساند، شروع به نیایش با پروردگار می کند.

جان من خداوند را می ستاید، و روح من در رهاننده ام خدا، از شادی لرزیدن می گیرد، چه، بر خواری کنیز خویش نظر افکنده است. آری، از این پس جمله نسلها مرا نیکبخت خواهند خواند، چه قادر مطلق کارهای عظیم از برایم کرد، همو که نامش قدّوس است،... به یاری بنده خویش اسرائیل آمده و رحمت خود را به یاد آورده است، آنچنان که پدران ما را خبر از آن داده بود، بهر ابراهیم و اعقاب او تا ابد. (عهد جدید، ۳۲۸؛ لوقا ۴۶: ۱-۵۸؛ کتاب اول سموئیل: ۱/۲-۱۰؛ اشعیا: ۱۹/۲۹) نیایش مریم برای سپاسگزاری از معجزه خداوند در زایا کردن همسر زکریا است و سپاسگزاری بر باروری به عیسی از نفخه رحمانی پروردگار.

۳.۶ نیایش های زنان در قرآن و آیین اسلام

در قرآن به چند نمونه از نیایش های زنان اشاره شده است:

۱- آسیه همسر فرعون: او از خداوند می خواهد تا خداوند خانه ای در بهشت برای او در نزد خویش بسازد و او را از ستم فرعون و هر ستمگر دیگر نجات دهد. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم: ۱۱)

۲- ملکه سبا: پس از آشنا شدن با سلیمان و دیدن معجزات و حکمت او گفت: پروردگارا، قطعاً من به خود ستم کردم، اینک همراه سلیمان، تسلیم خدا، پروردگار جهانیان شدم. «قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نمل: ۴۴)

۳- مادر مریم: تا مدت ها باردار نمی شد، پس از بارداری فرزندش را نذر معبد کرد و گفت: پروردگارا آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم که آزاده باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی. و او را مریم نام نهادم و او و فرزندانش را از وسوسه های شیطان رانده شده در پناه تو قرار می دهم. «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَلَمَّا وَضَعَهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَئِذَا الذَّكَرُ كَأَلَانْتَنِي وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (آل عمران: ۳۵-۳۶)

۴. فاطمه زهرا سلام الله علیها

در اسلام شیعی یک از زنان شاخص که به عنوان الگویی برای همگی زنان و مردان مسلمان شناخته می شود، فاطمه زهرا دختر پیامبر اسلام است. ولادت او در جامعه ای که دختران مایه سرشکستگی تلقی می شدند، روی می دهد. پدرش «ابتر» به معنای بدون دنباله و نسل خوانده می شود؛ اما قانون الهی بر این تعلق می گیرد که نسل امامان شیعه از فاطمه شکل بگیرد، تا فرجام نبوت، با آغاز امامت، به واسطه او صورت گیرد. حضرت رضا فرمود: «خداوند از طریق مریم، عیسی را به نسل انبیا ملحق کرده است؛ و به همین صورت خداوند ما را از طریق مادرمان فاطمه، به رسول الله متصل فرموده است.» (انعام: ۸۴-۸۶) (Tabatabai, 1995).

ویژه‌ای داشته است. امام صادق می‌فرماید او محدثه بوده است. «فاطمه دختر رسول خدا، نبی نبود اما محدث بود» (Saduq et al., 1988; Saduq & Soltani, 2016) و فرشتگان الهی با او سخن می‌گفته‌اند، مشابه ملاقات مریم با فرشتگان. «از این رو فاطمه محدثه نامیده شده است که فرشته‌های الهی از آسمان فرود می‌آمدند و با او سخن می‌گفتند، همان‌گونه که با مریم عمران سخن می‌گفتند» (Qomi Mashhadi, 1988).

۱.۷ ادبیات سخنگویی فاطمه سلام الله علیها

زندگی مؤمنانه او سرشار از عبادت و نیایش است. فاطمه در مجالس عمومی به ایراد خطابه می‌پرداخت و در این خطبه‌ها هم نیایش‌های عمیق و پرباری را ایراد می‌کرد. تحلیل ادبی این خطبه‌ها نشان می‌دهد که او از ابزارهای هنری متنوعی مانند تقابل، تکرار و سوگند استفاده کرده است که غنای محتوایی و بلاغی آثار او را نمایان می‌کند (Bastani & Rashidi, 2023). این نیایش‌ها در زندگی فاطمه ریشه در سنت خانوادگی او دارد. در روایات آمده، پیامبر پیش از خوابیدن و پس از بیدار شدن به «ورد» می‌پردازد. «كَانَ النَّبِيُّ إِذَا اسْتَاكَ اسْتَاكَ عَرَضًا وَكَانَ يَسْتَاكُ كُلَّ لَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مَرَّةً قَبْلَ نَوْمِهِ وَ مَرَّةً إِذَا قَامَ مِنْ نَوْمِهِ إِلَى وَرْدِهِ وَ مَرَّةً قَبْلَ خُرُوجِهِ إِلَى صَلَاةِ الصُّبْحِ وَكَانَ يَسْتَاكُ بِالْأَرَاكِ أَمْرَهُ بِذَلِكَ جَبْرِئِيلُ» (Majlisi & Mousavi, 1998) و مادرش، خدیجه، هنگامی که پیامبر برای دنیا آمدن فاطمه، از او چهل روز فاصله گرفت، می‌فرماید: «من با تنهایی انس گرفته بودم، هر شب وقتی هوا تاریک می‌شد، سر خود را می‌پوشاندم و پرده‌ها را می‌کشیدم. در منزل را قفل می‌کردم و «ورد» خود را انجام می‌دادم. چراغ را خاموش کرده و به بستر خود می‌رفتم.» «وَكُنْتُ قَدْ أَلْفَتُ الْوَحْدَةَ فَكَانَ إِذَا جَنَنْتِ اللَّيْلُ غَطَيْتُ رَأْسِي وَ أَسَجَفْتُ سِتْرِي وَ غَلَقْتُ بَابِي وَ صَلَّيْتُ وَرْدِي وَ أَطْفَأْتُ مِصْبَاحِي وَ أَوَيْتُ إِلَى فِرَاشِي» (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۱۶، ۷۹) علی، امیرالمؤمنین، حتی در ثانیه‌های پایانی عمرش، باز هم دست از اورادش بر نمی‌دارد. «علی وارد مسجد شد ابتدا ورد خود را در مسجد خواند و ساعتی تعقیبات خوانده و سپس برخاست و دو رکعت نماز خواند.» «وَسَارَ

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى دَخَلَ الْمَسْجِدَ وَ الْقَنَادِيلُ قَدْ خَمَدَ ضَوْؤُهَا فَصَلَّى فِي الْمَسْجِدِ وَرَدَّهُ وَ عَقَبَ سَاعَةً ثُمَّ إِنَّهُ قَامَ وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ» (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۴۲، ص ۲۷۹) این ویژگی‌ها نشان‌دهنده جایگاه والای نیایش در زندگی فاطمه است و او را به عنوان یک الگوی معنوی برای مسلمانان معرفی می‌کند.

فاطمه به دعا کردن زنان و مردان مؤمن در دعا‌های نیمه شب مشهور بود. این حکایتی است که از امام حسن روایت شده است. «رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةً فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى انْضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تَسْمِيَهُمْ وَ تَكْثُرُ مِنَ الدُّعَاءِ لَهُمْ، وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ، فَقُلْتُ لَهَا: يَا أُمَاهُ، لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ؟ فَقَالَتْ: يَا بَنِي، الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ» (Saduq, 2015) شبی می‌بیند که مادرش به نماز و دعا ایستاده و همه را دعا کرد به غیر از خودش. امام از او می‌پرسد: مادر چرا خودت را دعا نکردی؟ فاطمه پاسخ داد: ای پسر من اول همسایه، بعد خانه. حسن بصری می‌گوید: در این امت، عابدتر از فاطمه نیست، او به قدری برای عبادت می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد (Majlisi & Mousavi, 1998).

نیایش‌های فاطمه به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود.

۱- نیایش‌هایی که پدرش به او آموخت: پیامبر خدا، به عنوان الگوی کامل انسانی و اسوه حسنه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، ۲۱) تسبیحاتی به او آموخت که یاری‌رسان فاطمه برای انجام کارهای سخت خانه بود. ذکرش شامل ۳۴ بار الله اکبر، ۳۳ بار الحمد لله و ۳۳ بار سبحان الله (Saduq & Soltani, 2016). این تسبیحات چنان در میان خاندان پیامبر مشهور و مجرب بود که امام صادق می‌فرماید: «ما به فرزندانمان حفظ این تسبیح و خواندن آن را در هنگام خواب و بعد از هر نماز می‌آموزیم» (Saduq et al., 1988).

۲- نیایش‌های خودجوش او در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون. فاطمه در بسیاری از لحظات زندگی خود به دعا ستایش و نیایش مشغول بود. روایت‌ها نشان می‌دهند که او در هر روز از هفته یک نیایش خاص همان روز را داشت (Majlisi & Mousavi, 1998) و به

جز آن در اوقات مختلفی از روز، بعد از نمازهای روزانه، نماز ظهر، نماز عصر، نماز مغرب و هنگام عشاء (Ibn Tawus, 1986, 2005; Ibn Tawus & Fahri Zanjani, 2022) و هنگام خواب به نیایش می‌پرداخت در موقعیت‌های گوناگون برای آسان شدن امور، طلب شفا و در مواجهه با مشکلات به دعا می‌پرداخت و به پروردگار پناه می‌برد (Ibn Tawus, 1986, 2005; Ibn Tawus & Fahri Zanjani, 2022; Majlisi & Mousavi, 1998). این نیایش‌ها در زمان‌های متفاوت، به شکل‌های مختلفی اجرا می‌شد، به‌طوری‌که پس از هر نماز واجب، نیایش‌های خاصی داشت (Ibn Tawus & Fahri Zanjani, 2022). زندگی او به گونه‌ای بود که امام دوازدهم شیعیان از او به عنوان الگوی نیکو یاد کرده است. «و فی ابنة رسول، لی اسوه حسنه» در دختر پیامبر خدا برای من الگوی نیکویی است (Majlisi & Mousavi, 1998).

۲.۲ نیایش در سوگواری

پس از رحلت پیامبر، فاطمه، در اوج سوگواری به زنانی که برای تسلیت آمده بودند، توصیه کرد که به دعا بپردازند و از شمارش فضائل پیامبر خودداری کنند، زیرا دعا برای او از اهمیتی بیشتر برخوردار بود. «دَعْنَ التَّعْدَادَ وَ عَلَيَّكَ بِالدُّعَاءِ» (Majlisi & Mousavi, 1998). شمردن را رها کنید و بر شما باد دعا کردن. او همچنین زنان بنی‌هاشم را از پوشیدن لباس سیاه و گوشه‌نشینی برحذر می‌داشت و به دعا کردن ترغیب می‌کرد. «أَتْرُكْنَ الْحِدَادَ وَ عَلَيَّكَ بِالدُّعَاءِ» (Majlisi & Mousavi, 1998) پوشیدن لباس سیاه و گوشه‌نشینی را رها کنید و شروع به دعا کردن نمایید.

یکی از میراث‌های ارزشمند و اثرگذار حضرت زهرا، سخنرانی ایشان پس از وفات پیامبر، در جمع مهاجران و انصار است که به خطبه فدکیه شهرت دارد (Majlisi & Mousavi, 1998; Saduq, 2016; Saduq et al., 1988; Saduq & Soltani, 2015). با اینکه او از حق غصب شده خود دفاع می‌کند و هنوز سوگوار پیامبر است، باز هم در آغاز خطبه‌اش به حمد و ستایش پروردگار می‌پردازد و می‌گوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنِعَ، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهِمَ، وَ

الْتَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمُومِ نِعَمِ ابْتَدَآهَا، وَ سُبُوحِ الْإِلَهِ أَسْدَاهَا، وَ تَمَامِ مَنْ أَوْلَاهَا، جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدْدُهَا، وَ نَأَى عَنِ الْجَزْأِ أَمْدُهَا، وَ تَفَاوَتْ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُهَا، وَ نَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَ اسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِأَجْزَالِهَا وَ ثَنَى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا». حمد و سپاس خدای را بر آنچه الهام فرمود و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمتهای فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منتهای بی‌شماری که ارزانی داشت. نهایت آن از پاداش فراتر و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است و مردمان را فراخواند تا با شکرگزاری آن‌ها نعمتها را زیاده گرداند و با گستردگی آن‌ها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه ساخت و با دعوت نمودن به این نعمت-ها آن‌ها را دوچندان کرد.

۲.۳ معنایابی در نیایش‌های فاطمه زهرا سلام الله علیها

دعاهایی که از فاطمه توسط امامان شیعه و در طول تاریخ شیعه به ثبت رسیده بسیار است. او طیف گسترده‌ای از تسبیح و تقدیس پروردگار تا حمد و ستایش خداوند را به جای می‌آورد. گاهی دعایش فردی است و برای خود دعا می‌کند ولی در بیشتر دعاهای او می‌بینیم که او برای همگان دعا می‌کند و گاهی سخنش را، در هنگام نیایش جمع می‌بندد. درخواستهای او در نیایش‌هایش هم برای دنیاست و هم آخرت و در دنیا هم برای به صلاح آمدن امور مادی دعا می‌کند و هم امور معنوی و در همگی نیایش‌هایش، همگی آدابی که در آداب دعاخوانی از نگاه مسلمانان برشمردیم را رعایت می‌کند. برای او تفاوتی ندارد که در حال شادی است یا اندوه، در فراوانی نعمت است یا کاستی، گویی او به دنبال بهانه‌ایی است تا مدام نام الله را بر زبان جانش جاری نماید.

۱- فاطمه در دعایی که هر صبح و شام می‌خواند از خداوند می‌خواهد که حتی چشم برهم‌زدنی او را به حال خود واگذار نکند و پروردگار همه امور او را اصلاح کند. «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ فَأَعِثْنِي، وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا». (Ibn Tawus, 2005)

۲- در دعای هنگام خواب خدایی را ستایش می‌کند که باور دارد او را کفایت می‌کند و هرچه بخواهد پیش خواهد آورد. «الحمد لله الکافی، سُبْحَانَ اللَّهِ الْأَعْلَى، حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى، مَا شَاءَ اللَّهُ قُضِيَ» (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق، ۲۸۳)

۳- در نیایش‌های گونه‌گونی که در روزهای هفته دارد پس از حمد و ستایش خداوند و درود بر محمد و خانواده‌اش، در هر روز از او چیزی را درخواست می‌کند.

در روز شنبه: دعایی همگانی و نه فردی برای گشایش گنجینه‌های رحمت الهی بر روی همگی ما است. «اللهم افْتَحْ خَزَائِنَ رَحْمَتِكَ، وَ هَبْ لَنَا اللَّهُمَّ رَحْمَةً لَا تُعَذِّبُنَا بَعْدَهَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» روز یکشنبه: دعای او برای رستگاری در اول روز، اصلاح در میانه روز و نجات و موفقیت در آخر آن است. «اللهم اجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِي هَذَا فَلَاحًا، وَ أَوْسَطَهُ صَلَاحًا، وَ آخِرَهُ نَجَاحًا»

روز دوشنبه: او از خداوند نیرویی برای عبادت و بصیرتی در کتابت و فهمی در احکام پروردگار درخواست می‌کند. «اللهم إِنِّي أَسْأَلُكَ قُوَّةً فِي عِبَادَتِكَ، وَ تَبَصُّرًا فِي كِتَابِكَ، وَ فَهْمًا فِي حُكْمِكَ» روز سه‌شنبه: او طلب می‌کند که غفلت مردم برایمان ذکر شود و ذکر مردم برای ما سپاسگزاری شود و بهترین چیزهایی را که به زبان می‌آوریم، نیت قلبی‌مان شود. «اللهم اجْعَلْ غَفْلَةَ النَّاسِ لَنَا ذِكْرًا وَ اجْعَلْ ذِكْرَهُمْ لَنَا شُكْرًا وَ اجْعَلْ صَالِحًا مَا نَقُولُ بِاللَّسْتِنَا نِيَّةً فِي قُلُوبِنَا»

روز چهارشنبه: فاطمه پس از ستایش خداوند، پروردگار را سوگند می‌دهد که به حرمت نامهای بزرگش از ما نگهبانی کند و چیزهایی را برایمان حفظ کند [حفاظت از رسوایی]، چیزهایی را بپوشاند [روپوشی گناه] و چیزهایی را مطیع‌مان قرار دهد. «اللهم احْرُسْنَا بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ رُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَ بِأَسْمَائِكَ الْعِظَامَ، وَ احْفَظْ عَلَيْنَا مَا لَوْ حَفَظَهُ غَيْرُكَ ضَاعَ، وَ اسْتَرْ عَلَيْنَا مَا لَوْ سَتَرَهُ غَيْرُكَ شَاعَ، وَ اجْعَلْ كُلَّ ذَلِكَ لَنَا مَطَوَاعًا»

روز پنج‌شنبه: فاطمه خوشنودی خداوند را از او آرزو می‌کند در پرهیزکاری و پاکدامنی «اللهم إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَ التَّقَى وَ الْعَفَا وَ الْعَمَلَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى. إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُوَّتِكَ لِضَعْفِنَا، وَ مِنْ

غِنَاكَ لِفَقْرِنَا، وَ مِنْ حِلْمِكَ وَ عِلْمِكَ لِجَهْلِنَا... وَ أَعْنَا عَلَى شُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ طَاعَتِكَ وَ عِبَادَتِكَ...»

و در روز جمعه: از خداوند می‌خواهد تا ما را از دوستان خداوند و مقربان درگاهش قرار دهد. «اللهم الْجَعْلُنَا مِنْ أَقْرَبِ مَنْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ وَ أَوْجَهَ مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْكَ، وَ أَنْجَحَ مَنْ سَأَلَكَ وَ تَضَرَّعَ إِلَيْكَ» (Majlisi & Mousavi, 1998).

۷. ۴ الگودهی و تأثیرگذاری فاطمه سلام الله علیها بر زنان پس از خود

پس از فاطمه، دخترش زینب سلام الله علیها را می‌بینیم که با الگو گرفتن از مادرش در واقعه عاشورا و پس از آن، با خطبه‌هایش در مجلس یزید، به بیان مصیبت‌ها و مظلومیت‌های خاندان پیامبر پرداخت و بر اهمیت دعا و ستایش خداوند تأکید کرد. وا مُحَمَّدَاهُ! صَلَّی عَلَیْكَ مَلِیْکُ السَّمَاءِ، هَذَا حُسَیْنٌ بِالْعَرَاءِ، مُرْمَلٌ بِالْدَّمَاءِ، مُقَطَّعُ الْأَعْضَاءِ، وَ تُكَلَّاهُ! وَ بِنَاتُكَ سَبَايَا، أَلِی اللَّهِ الْمُشْتَكِی، وَ الِی مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفِی، وَ الِی عَلِیِّ الْمُرْتَضِی، وَ الِی فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَ الِی حَمَزَةَ سَیِّدِ الشُّهَدَاءِ. وَا مُحَمَّدَاهُ! وَ هَذَا حُسَیْنٌ بِالْعَرَاءِ، تَسْفَى عَلَیْهِ رِیْحُ الصَّبَا، قَتِيلُ أَوْلَادِ الْبَغَايَا، وَ أَحْزَنَاهُ! وَ اَكْرَبَاهُ عَلَیْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ! الْيَوْمَ مَاتَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، يَا أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ، هَؤُلَاءِ ذُرِّيَّةُ الْمُصْطَفَى يُسَاقُونَ سَوْقَ السَّبَايَا. «ای محمد! درود فرشتگان آسمان بر تو باد! این حسین است که بر خاک افتاده، خونین، بریده بریده و باد بر پیکرش می‌وزد. دختران تو اسیرند و نوادگانت کشته شده‌اند.» (Partow & Adel, 2017) زینب در خطبه‌هایش، با حمد و ستایش خداوند، بر ایمان و رحمت الهی تأکید کرده و از پروردگار می‌خواهد تا پاداش شهیدان را کامل کند و جانیشینی صالح برای آنان قرار دهد. فَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الَّذِي خَتَمَ لَأَوْلَانَا بِالسَّعَادَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ وَ لآخِرِنَا بِالشَّهَادَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ نَسَأَلُ اللَّهَ أَنْ يُكَمِّلَ لَهُمُ الثَّوَابَ وَ يُوجِبَ لَهُمُ الْمَزِيدَ وَ يُحَسِّنَ عَلَيْنَا الْخِلَافَةَ. إِنَّهُ رَحِيمٌ وَ دَوُدٌ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نَعْمَ الْوَكِيلُ. «پس ستایش مخصوص خدایی است که برای اول ما سعادت و مغفرت و برای آخرت ما شهادت و رحمت مقرر فرموده است. از خداوند می‌خواهیم پاداش ایشان را کامل فرماید، موجبات

فزونی ایشان را فراهم آورد و جانشینی‌اش را برما نیکو گرداند. زیرا او رحیم و ودود است. پس خداوند ما را بس است. زیرا او بهترین وکیل و کارگزار است.» (Majlisi & Mousavi, 1998; Suyuti, 1983; Tabarsi & Mousavi Khorasani, 1997; Tabarsi, 1997).

نتیجه‌گیری

پژوهش در حوزه نیایش‌های زنان در ادیان ابراهیمی، با وجود اهمیت و جذابیت، با محدودیت‌های متعددی روبرو است. این محدودیت‌ها می‌توانند از پیچیدگی موضوع، خصوصی بودن نیایش، تغییرات تاریخی و محدودیت‌های دسترسی به داده‌ها و منابع و چالش‌های ترجمه متون دینی و امکان تأثیر پیش‌داوری‌های پژوهشگر، پژوهش در این حوزه را به یک کار چالش‌برانگیز تبدیل کنند. با این حال با بررسی آیات و روایات در متون مقدس به نیایش‌هایی از زنان الهام‌بخش دست یافتیم و با مواجهه با متن نیایش آنان به نیازها و درخواست‌ها و نحوه مواجهه آنان با امر مقدس آشنا شدیم. دانستیم که چرایی سرکوب حضور زنان در بازه‌های زمانی خاص در یهودیت و مسیحیت، نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. از یک طرف نوع آموزه‌های مسیحیت و یهودیت با اشاره به نوع آفرینش زن و گناه اولیه تا اندازه‌ای چهره او را مخدوش می‌نماید اما در هرمنوتیک متون مقدس مسیحی و یهودی این مفسران و نویسندگان اولیه متون تورات و انجیل‌ها بودند که سبب حذف بیشتر زنان از محوریت دعا و نیایش و انجام فرایض دینی شده‌اند. در حالی که در دین اسلام علاوه بر اینکه در آفرینش نخستین زن و گناه اولیه آدم و حوا را یکسان می‌داند، بلکه آیات بسیاری زنان و مردان را در انجام فرایض دینی همدوش یکدیگر قرار می‌دهد و آنان را با صفات یکسان برمی‌شمرد. تفسیرهای پدرسالارانه از متون مقدس، نقش زنان را به حوزه خصوصی محدود کرده و از مشارکت فعال آن‌ها در عرصه‌های عمومی و مذهبی جلوگیری کرده‌اند. ساختارهای قدرت مردانه به ویژه در تفسیر انجیل‌های مقدس و به صورت کمرنگ‌تر در تورات تلاش کرده‌اند تا کنترل خود را بر تمام

جنبه‌های زندگی، از جمله دین، حفظ کنند. با تفسیر مفسران کتاب‌های مقدس مسیحیان، و با تفسیر الاهی‌دانان معاصر این دین، ترس از قدرت زنان و نفوذ آن‌ها در جامعه، به سرکوب صدای زنان در کتاب مقدس منجر شده است. در دین اسلام با تمام عوامل بازدارنده اجتماعی و فرهنگی که در زمان ظهور اسلام در جامعه عرب آن روزگار وجود داشته است، آموزه‌های قرآن عوامل بازدارنده برای حضور زنان در مراسم معنوی و فرایض دینی قرار نمی‌دهد. علاوه بر آن دختر پیامبر اسلام، واسطه‌ای برای اتصال نسل امامت به نبوت می‌شود، مورد تعلیم پدرش قرار می‌گیرد که چگونه دعا بخواند و نیایش‌هایش توسط فرزندان و همسرش ثبت شده و در تاریخ شیعه نسل به نسل منتقل و ماندگار می‌شود، تا جایی که شخصیت فاطمه برای امام دوازدهم شیعیان به عنوان الگو انتخاب می‌شود.

با بررسی تطبیقی میان نیایش‌های ثبت شده زنان در کتاب‌های مقدس دریافتیم که زنان در دو دین یهودیت و مسیحیت، هنگامی که خواسته‌ای مادی داشته‌اند دست به دعا زده‌اند (دعا برای ازدواج کردن یا بچه دار شدن) و یا هنگام برآورده شدن نیازشان (پس از به دنیا آمدن بچه‌هایشان یا پیروزی در جنگ و رهایی از دشمن ظالم) خداوند را شکر و سپاس گفته‌اند و تنها نیایش ثبت شده، نیایش حنا دختر فنوتیل است که با دیدن برآورده شدن بشارت تورات مبنی بر تولد مسیح، خداوند را سپاس می‌گوید. در قرآن هم که به نیایش آسیه همسر فرعون اشاره شده، او از خداوند می‌خواهد که خداوند برای او خانه‌ای در نزد خویش بسازد و او را از ستم ستمگران و فرعون برهاند. ملکه سبا هم در نیایشی با پروردگار اقرار می‌کند که به خویشتن ستم کرده است و سپس سوگند یاد می‌کند که از این پس همراه سلیمان، تسلیم خداوند باشد و مادر مریم که برای باردار شدن دعا می‌کند و نذر می‌کند تا فرزندش را وقف معبد نماید. این در حالی است که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) علاوه بر اینکه همگی آداب دعا و نیایش مسلمانان را در دعاها و خطابه‌هایش رعایت می‌کند، سهم بسیار بزرگی از خطابه‌های او در قالبی نیایشی به آگاه

روحي و رواني برای خود و ديگران بهترينها را درخواست می‌کند. پس از حضرت فاطمه (سلام الله عليها) نخستين الگوگيري از نيایش‌های او را در رفتار دخترش زينب شاهد هستيم که او هم در سوگواری و اسارت خودش و خاندانش در صلابت و نجابت هنگام سخنرانی در بارگاه يزید به روش مادرش نيایش کرده و اصول نيایشی او را به صورت کامل رعایت می‌کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The study undertakes a comparative and descriptive analysis of women's prayers across Judaism, Christianity, and Islam. It addresses the pivotal question of how and to what extent the roles of women in prayer and their relationships with God differ among these Abrahamic religions. Employing sacred texts, historical narratives, and feminist theological perspectives, the research elucidates both the shared roots and diverse trajectories of these traditions. While the foundational scriptures exhibit common themes of submission and spiritual connection, they also reflect distinct interpretations that have historically shaped women's roles in worship practices. These differences are shaped by cultural and historical contexts, offering insights into the complexities of gender dynamics within religious frameworks (Durant, 1995; McGrath & Bayat, 2014).

The study identifies key thematic overlaps in the Abrahamic traditions, such as the shared emphasis on devotion, supplication, and gratitude towards God. However, significant variances emerge in the representation of women in sacred narratives and their participation in communal worship. For instance, Judaic texts often limit the liturgical involvement of women, focusing instead on personal and familial prayer settings. In Christianity, the presence of female saints and

سازی جامعه مسلمانان تعلق گرفته است. او در اوج سوگواری، هنگام وفات پدرش و غضب خلافت همسرش به نيایش خداوند پرداخته و ديگران را به این امر تشويق کرده است. نيایشی بی‌خواسته که هرگز در هنگام سوگ برای هیچ کدام از زنان الهام‌بخش ادیان توحیدی به ثبت نرسیده است.

با توجه به برشمردن مطالب بالا دریافتم که نيایش‌های حضرت فاطمه (سلام الله عليها) به صورت ابزاری تنها در خواستن امور مادی خلاصه نمی‌شود، بلکه او با معرفت به خویشن خویش و خدای خویش، به نيایش عاشقانه و عارفانه با پروردگار می‌پردازد و او را آگاهانه می‌ستاید و از او در همگی جنبه‌های رشد مادی و معنوی،

martyrs underscores the role of women as spiritual intercessors. Nonetheless, restrictive interpretations of Pauline epistles have marginalized women's voices in ecclesiastical contexts. Islam presents a more nuanced perspective, celebrating women's individual prayers while emphasizing modesty and communal boundaries (Ehrman, 2023).

The role of sacred texts is pivotal in shaping the theological and practical dimensions of women's prayers. The Torah, Bible, and Quran provide varied depictions of female prayer, from the joyous hymns of Miriam and Hannah to the introspective supplications of Mary and Fatimah Zahra. These narratives serve as both inspirations and constraints, reflecting the broader sociocultural milieu in which they were embedded. For example, the Quran's recognition of Mary's unique status and the detailed depiction of her supplications highlight Islam's acknowledgment of female spirituality. Similarly, the Torah's accounts of prophetic women like Deborah and Esther illustrate the intersection of faith and leadership in Judaic traditions (McDonald).

Historically, interpretations of these texts have oscillated between affirming and suppressing women's roles in prayer. In medieval Jewish and Christian communities, women often led private and familial prayers, their voices excluded from

public liturgy. In Islam, figures like Fatimah Zahra exemplify the integration of personal piety with communal responsibilities, with her prayers and teachings inspiring subsequent generations of Muslim women. Feminist theological critiques challenge the androcentric interpretations of these traditions, advocating for a reimagined inclusion of women's experiences in prayer (Ehrman, 2023).

The comparative approach of this study unveils the socio-religious factors influencing women's prayers across the Abrahamic faiths. It highlights the dual role of prayer as a spiritual practice and a means of sociopolitical resistance. In Judaism, prayer serves as an anchor for identity preservation amidst diaspora experiences. Christianity's emphasis on intercession positions women as vital mediators between the divine and the human. Islam's emphasis on equality in spiritual accountability promotes a balanced perspective, encouraging individual and collective worship while addressing patriarchal misinterpretations of its tenets (Majlisi & Mousavi, 1998).

This research underscores the transformative potential of revisiting women's prayers in Abrahamic religions, fostering interfaith dialogue and deeper gender-sensitive understandings of spirituality. It calls for further exploration of historical narratives and contemporary practices, aiming to empower women as active participants in religious communities. By bridging historical insights with modern feminist discourse, this study contributes to a more equitable and inclusive portrayal of women's spiritual agency in the Abrahamic traditions.

References

- Abedi, A. (2023). *Umm al-Mu'minin Khadija al-Kubra*. Bustan-e-Ketab.
- Bastani, M., & Rashidi, L. (2023). *History of Arabic Literature in Light of Islamic Methodology*. House of Zohal Thought.
- Dehkhoda, A. A., Shahidi, S. J., & Givi, H. A. (1998). *Dehkhoda Lexicon*. University of Tehran Publishing Institute.
- Durant, W. (1995). *Pleasures of Philosophy in the Story and Destiny of Mankind*. Scientific and Cultural Publications.
- Ehrman, B. D. (2023). *The New Testament: A Historical Introduction to the Early Christian Writings*. University of Religions and Denominations.
- Firuzabadi, M. i. Y. (1994). *Qamus al-Muhit* (Vol. 4 Volumes). Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Hashemi, B. Z. (2016). Quarterly of Scientific Investigations of Religious Students. *Issues* 35-36.
- Ibn Tawus, A. i. M. (1986). *Falah al-Sa'il wa Najah al-Masa'il*. Office of Islamic Propagation.
- Ibn Tawus, A. i. M. (2005). *Muhaj al-Da'awat wa Manhaj al-Ibadat*. Dar Anwar al-Huda.
- Ibn Tawus, A. i. M., & Fahri Zanjani, S. A. (2022). *Al-Luhuf Ala Qatl al-Tufuf (Burning Sighs on the Martyrs' Graves)*. International Printing and Publishing Company.
- Kohen, A. (2003). *A Treasury of the Talmud*. Asatir.
- Macintosh, C. (1982). *Commentary on the Book of Genesis*. Kinesa al-Ikhwan.
- Madani Dehkharaqani, S. B. (2014). *The Role of Women in the Wars of Early Islam (Until the Umayyad Era)*. Bustan-e-Ketab.
- Majlisi, M. B. i. M. T., & Mousavi, K. (1998). *Bihar al-Anwar*. Islamiyeh Bookstore.
- Mason, D. (2006). *The Quran and the Bible*. Sohravardi Research and Publishing Office.
- Masoud, J., & Nejad, R. E. (2014). *Al-Ra'id: Alphabetical Arabic-Persian Dictionary* (Vol. 2 Volumes). Affiliated with Astan Quds Razavi.
- McDonald, W. *Interpretation of the Holy Bible for Believers*.
- McGrath, A., & Bayat, M. R. (2014). *A Handbook of Christian Theology (Part 2)*. University of Religions and Denominations.
- Mohammadi, K. (2013). *The Voice of Love: A Study in True Love and the Truth of Love*. Najm-e-Kubra.
- Mohammadi, K. (2015). *The Desire for Reunion*.
- Noss, J. B. (2001). *A History of World Religions*. Scientific and Cultural Publishing.
- Partow, M., & Adel, G. A. H. (2017). Zainab bint Ali ibn Abi Talib. In *Encyclopedia of the Islamic World* (Vol. 22). Foundation of Islamic Encyclopedias.
- Qaderi, H. (2007). *Aspects of Identity*. Shirazeh.
- Qahfarrokhi, A. F., Motlaq, S. B., & Meftah, A. R. (2022). Typology of God's Central Attribute in the Sacred Texts of Abrahamic Religions. *Comparative Theology*, 28, 159-172.
- Qomi Mashhadi, M. i. M. R. (1988). *Tafsir Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Ghara'ib*. Institute for Printing and Publishing.

- Rahmani, S., & Pourseena, M. (2019). *Women and the Position of Divine Vicegerency (A Quranic, Psychological, and Mystical Reflection)*. Bustan-e-Ketab.
- Rashad, A. A. (2022). *Fatemi Encyclopedia*. Publications of the Research Institute of Culture and Thought.
- Saboor Ardubadi, A. (2006). *Innate Holiness in Women (The Role of Women in Non-Chromosomal Spiritual Heritage)*. Resalat Qalam.
- Saduq, I. B. (2015). *Al-'Ilal al-Sharai' (The Causes of Religious Laws)*. Armaghan Toba.
- Saduq, I. B., Ghaffari, A. A., & Ghaffari, M. J. (1988). *Man La Yahduru al-Faqih*. Saduq Publishing.
- Saduq, I. B., & Soltani, M. A. (2016). *'Ilal al-Shara'i*. Armaghan Tuba.
- Shamisa, C. (1994). *Literary Genres*. Ferdowsi Publishing.
- Steinsaltz, A., & Darabi, B. T. (2023). *A Guide to the Talmud*. University of Religions and Denominations.
- Suyuti, A. i. A. (1983). *Al-Durr al-Manthur fi Tafsir bil-Ma'thur* (Vol. 6 Volumes). Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi.
- Tabarsi, A. i. A., & Mousavi Khorasani, M. B. (1983). *Al-Ihtijaj*. Al-Murtadha Publications.
- Tabarsi, F. i. H. (1997). *E'lam al-Wara bi-A'lam al-Huda*. Al al-Bayt Institute.
- Tabatabai, M. H. (1995). *Tafsir al-Mizan*. Islamic Publications Office, Society of Seminary Teachers of Qom.
- Zare'ian, M., & Barzegar, K. *Family Institution Policy*. University of Religions and Denominations Publishing.